**موضوع:**

**بررسی ادبی سوره تکاثر**

**استاد راهنما:**

**حجة الاسلام کریمی(زید عزه)**

**پژوهشگر:**

**صادق ستاری دستنایی**

**مقطع تحصیلی:**

**پایه سوم**

**درس پژوهشی:**

**نحو۷**

**مرکز آموزشی:**

**مدرسه علمیه علوی قم**

**سال:**

**1398-1399**



**تقدیر**

از بانوی والامقامی که نگاه کریمانه اش سایه گستری بر سر همه ی سربازان حضرت صاحب علیه السلام است.

**تقدیم**

به روح پاک فقیهانی که تمام تلاششان را وقف فهم و درک نگاه معصومین علیهم السلام کردند.

**چکیده** :

قرآن کریم که منبع اصلی برای احکام شرعی واز معجزات پایدار رسول اعظم(ص) است منبعی سرشار از حقایق دنیوی واخروی ظرایف ودقائق ادبی وبلاغی ومعانی سرشاری است که هر کس بارجوع خود به آن با توجه به معلومات خود بادریایی ژرف مواجه میشود. برای دست یابی به علوم بسیاری که در روایات و قران کریم است باید از راه های دست یابی به آن یعنی علوم نحوی و صرفی و لغوی استفاده کرد . در اینجا میخواهیم سوره ایی از قران را از حیث ادبی مورد بررسی قرار بدهیم که با این بررسی مییتوان فهمید که این کتاب و این آیات از نهایت زیبایی و شیوایی و رسایی معنی برخورد ار است که جز با اشنایی با ادبیات عرب نمیتوان آنرا فهمید و به عمف معانی آن پی برد

**کلید واژه :**

عصر-خسران -تواصی -انسان-ایمان-عمل صالح

**فهرست**

[مقدمه : 1](#_Toc41697872)

[فصل اول:مفاهیم و کلیات 2](#_Toc41697873)

[گفتار اول:پیرامون سوره 2](#_Toc41697874)

[بخش اول:شان نزول 2](#_Toc41697875)

[بخش دوم:فضلیت سوره 2](#_Toc41697876)

[گفتار دوم:تاثیرگذاری ادبیات در فهم مراد متکلم 4](#_Toc41697877)

[بخش اول:لغت 4](#_Toc41697878)

[بخش دوم:صرف 4](#_Toc41697879)

[بخش سوم:نحو 4](#_Toc41697880)

[بخش چهارم:بلاغت 5](#_Toc41697881)

[فصل دوم:بررسی ادبی آیات 5](#_Toc41697882)

[گفتار اول:آیه 1 5](#_Toc41697883)

[بخش اول:بررسی لغوی 5](#_Toc41697884)

[بخش دوم:بررسی صرفی 5](#_Toc41697885)

[بخش سوم:بررسی نحوی 5](#_Toc41697886)

[گفتار دوم:آیه 2 6](#_Toc41697887)

[بخش اول:بررسی لغوی 6](#_Toc41697888)

[بخش دوم:بررسی صرفی 6](#_Toc41697889)

[بخش سوم:بررسی نحوی 6](#_Toc41697890)

[گفتار سوم:آیه3و4 6](#_Toc41697891)

[بخش اول:بررسی لغوی 6](#_Toc41697892)

[بخش دوم:بررسی صرفی 7](#_Toc41697893)

[بخش چهارم:بررسی بلاغی 7](#_Toc41697894)

[گفتار چهارم:آیه5 7](#_Toc41697895)

[بخش اول:بررسی لغوی 7](#_Toc41697896)

[بخش دوم:بررسی صرفی 8](#_Toc41697897)

[بخش رسوم:بررسی نحوی 8](#_Toc41697898)

[بخش چهارم:بررسی بلاغی 8](#_Toc41697899)

[گفتار پنجم:آیه6و7 8](#_Toc41697900)

[بخش اول:بررسی لغوی 8](#_Toc41697901)

[بخش دوم:بررسی صرفی 8](#_Toc41697902)

[بخش سوم:بررسی نحوی 9](#_Toc41697903)

[بخش چهارم:بررسی بلاغی 9](#_Toc41697904)

[گفتار ششم:آیه8 9](#_Toc41697905)

[بخش اول:بررسی لغوی 9](#_Toc41697906)

[بخش دوم:بررسی صرفی 9](#_Toc41697907)

[بخش سوم:بررسی نحوی 10](#_Toc41697908)

[بخش چهارم:بررسی بلاغی 10](#_Toc41697909)

[منابع : 11](#_Toc41697910)

# مقدمه :

الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایه مولی امیرالمومنین علی(ع)والائمه المعصومین(ع)

پر واضح است که معجزه ماندگار رسول اکرم(ص) که تفاوتی عمده باتمام رسولان قبل از خودداشت وکتابی بود ماندگاربرای اعصار وقرون مابعد،جنبه های متفاوتی برای اعلام بزرگی وبی مثالی خوددارد.ازجنبه های ادبی وبلاغی گرفته تا حقایق وداستان ها و...

این کتاب از چنان شیوایی و رسایی کلمات و معانی برخوردار است که با گذشت سالها هنوز کتابی با این چنین کلماتی که در عین اختصار همراه با وجوه ادبی بسیار این جنین معانی عمیقی را در پی داشته باشد نیامده است.

پی بردن به این معانی و زیبایی های ادبی قران تنها از طریف آ شناییی با ادبیات عرب و به کار گیری آن بدست می آید.

از سوره های دلنشین وپر معنای قرآن سوره تکاثر است که با به کار گیری ادبیات عرب میفهیم که این سوره چه زیبا راه کلی زندگی بشر را در کوتاه ترین ومختصر ترین حالات ممکن بیان میدارد.

# فصل اول:مفاهیم و کلیات

## گفتار اول:پیرامون سوره

### بخش اول:شان نزول

سوره تَکاثُر صد و دومین سوره و از سوره‌های مَکّی قرآن که در جزء سی‌ام جای گرفته است.

وعلت نامگذاری این سوره به تَکاثُر این است که این کلمه در اولین آیه آن آمده است. تکاثر یعنی چشم و هم‌چشمی و مسابقه‌دادن با یکدیگر در بسیاری مال و جایگاه اجتماعی.

این سوره کسانی را که در مال و فرزند و یاور به یکدیگر فخر می‌فروشند، توبیخ می‌کند و می‌گوید اینان در آینده‌ای نزدیک در مورد نعمت‌هایی که در اختیار آنان گذاشته شده، بازخواست می‌شوند. در روایات آمده است مراد از نعمت، اهل بیت (ع) هستند. در فضیلت تلاوت این سوره نقل شده است قرائت آن همچون قرائت هزار آیه از قرآن است. سوره تکاثر جزو سوره‌های مکی و در ترتیب نزول، شانزدهمین سوره‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل شده است. این سوره در چینش کنونی مُصحَف، صد و دومین سوره است و در جزء ۳۰ قرآن جای دارد. در تفسیر مجمع البیان چند شأن نزول برای این سوره بیان شده است. در یکی از آن‌ها آمده است این سوره درباره دو قبیله از قریش، فرزندان عبدمناف بن قصی و فرزندان سهم بن عمر، نازل شد. آنان به یکدیگر فخر فروختند که اشراف ما بیشترند. پس اشراف یکدیگر را شمردند. اشراف بنی عبدمناف بیشتر از گروه مقابل شدند. به همین دلیل فرزندان سهم گفتند مردگانمان را بشماریم، تا اینکه رفتند و قبر‌ها را دیدند و آن‌ها را شمردند. پس از این کار، فرزندان سهم بیشتر از فرزندان عبدمناف شدند؛ زیرا آنان در جاهلیت بیشتر از دیگران بودند.

### بخش دوم:فضلیت سوره

از حضرت سَرور عالمیان (ص) مروی است: کسی که این سوره را تلاوت کند خداوند در برابر نعمت‌هایی که در دنیا به او ارزانی داشته مورد حساب قرار نمی‌دهد. و هر کس آن را در وقت نماز عصر بخواند به یاری خداوند متعال تا غروب فردای آن روز در امان خواهد بود. و نیز می‌فرماید: هرگاه کسی سوره‌ی تکاثر را بخواند در ملکوت آسمان‌ها به نام اداکننده‌ی شکر خدا شناخته می‌شود. و در حدیثی امام صادق (ع) می‌فرماید: کسی که این سوره‌ی مبارکه را قبل از خواب بخواند از عذاب قبر ایمن خواهد بود. و اگر کسی آن را در نماز واجب بخواند ثواب صد شهید و چنانچه در نماز نافله بخواند ثواب پنجاه شهید خواهد داشت و در نمار فریضه چهل صف از ملائکه با او نماز می‌خوانند. و در خبر است: هر کس این سوره را بخواند حساب قیامت برای او تنها جهت اظهار منّت است نه برای مناقشه. و در خبر دیگری آمده است: روزی رسول خدا (ص) به اصحاب خود فرمود: آیا کسی از شما می‌تواند روزی هزار آیه بخواند؟ عرض کردند: چه کسی می‌تواند روزی هزار آیه بخواند؟ فرمود: آیا کسی از شما توانایی آن را ندارد که سوره‌ی تکاثر را بخواند؟ (یعنی با هزار آیه برابری می‌کند). و در روایت صحیحه از رسول اکرم (ص) نقل است: هر کس در شب اوّل قبر میّت (لیلۀ‌الدّفن) دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اوّل بعد از حمد دوبار سوره‌ی توحید و در رکعت دوم بعد از حمد دهبار سوره‌ی تکاثر را بخواند و بعد از آن بگوید: «اللّهُمّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ ثَوابَها اِلی قَبْرِ ذلِکَ الْمَیِّتِ فلان» (یعنی: اللّهُمّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ، خدایا ثواب آن را به قبر فانی برسان ـو به‌جای کلمه‌ی فلان نام میّت را ببردـ) ثواب آن به آن میّت خواهد رسید و این یکی از دو نماز (وحشت) است که در لیلۀ‌الدّفن خوانده می‌شود. و دیگر از خواص آن چنانچه آن را بر کسی که سردرد داشته باشد بخوانند به یاری حق درد او تسکین می‌یابد.

همچنین جهت شفای فرزند، پدر او در شب دوشنبه دو رکعت نماز بخواند بدین ترتیب: در رکعت اوّل بعد از حمد، یازده مرتبه سوره‌ی مبارکه‌ی تکاثر و در رکعت دوم بعد از حمد، سیزده مرتبه آن را بخواند و بعد از نماز تسبیح حضرت زهرا (س) را به جای آورد سپس به سجده رود و صد مرتبه صلوات بر پیامبر (ص) و آل (ع) او بفرستد در دل خود با خدا پیمان بندد چنانچه فرزندش از این بیماری شفا یابد در یکی از سجده‌های شکر چهارصد مرتبه صلوات بر پیامبر (ص) و خاندان (ع) او بفرستد آنگاه سر از سجده بردارد؛ و این عمل به تجربه رسیده است. و در یک نسخه آمده که در روز‌های دوشنبه و چهارشنبه سوره‌ی مبارکه را چهل مرتبه بخواند.

## گفتار دوم:تاثیرگذاری ادبیات در فهم مراد متکلم

### بخش اول:لغت

علم لغت بیان کنندۀ ریشه و معانی کلمات (معانی اصلی، وضعی و استعمالی) است و خصوصیات هر یک از کلمات را از جهت لازم یا متعدی بودن، مترادف یا مشترک یا مختص بودن بررسی می کند. غرض این علم فهم درست معنای کلمات عرب و مصونیت از خطا در فهم معانی وضعی مفردات است.

لغت درزبان عربی ازاهمیت بالایی برخوردار می باشد وعرب زبان درهرجایی کلمه مربوط به آن رابیان می کندوتامستمع معنای آن لغت وجایگاه استعمال آن رانشناسد ،متوجه معنای دقیق کلمه نمی شود.ازاین روآشنایی با لغت درفهم معنای درست نقش به سزایی داردوکسی که باآن آشنایی نداشته باشد نمیتواند معنایی که مرادمتکلم بوده رابرداشت کند،به خاطر این مسئله تصمیم گرفتم ابتدااندکی ازجایگاه علم لغت وتأثیر آن درفهم مراد متکلم رابیان کنم.

### بخش دوم:صرف

صرف و ﺗﺼﺮﯾﻒ در ﻟﻐﺖ، ﺑﻪ ﻣﻌﻨﺎي ﺟﺎﺑﻪ ﺟﺎﯾﯽ، ﺗﻐﯿﯿﺮ و زﯾﺮ و رو ﮐﺮدن و در اﺻـﻄﻼح ، ﻋﻠﻤـﯽ اﺳـﺖ ﮐـﻪ از ﺳﺎﺧﺘﻤﺎن ﮐﻠﻤﺎت ﻋﺮب ، ﻫﯿﺄت و ﺧﺼﻮﺻﯿﺎت ﺣﺮوف آن از ﺟﻬﺖ اﺻﻠﯽ و زاﯾﺪ ﺑﻮدن ﻣﺎده و ﺻـﺤﺖ و اﻋﺘﻼل و ﻣﺎﻧﻨﺪ آن و از ﻣﻌﺎﻧﯽ ﻫﯿﺄت ﻫﺎ و از ﺗﻐﯿﯿﺮاﺗﯽ ﮐﻪ در ﮐﻠﻤﺎت ﺑﻪ ﻫـﺪف ﺗﻮﻟﯿﺪ ﻣﻌﻨﺎ ﯾﺎ ﺗﺴﻬﯿﻞ در ﺗﻠﻔﻆ اﯾﺠـﺎد ﻣﯽ ﺷﻮد، ﺑﺤﺚ ﻣ ﯽﮐﻨﺪ.

وازآنجاکه هر ماده ای درهربابی معنای مخصوص به خود رادارد ودرخیلی ازموارددرباب هایی بی معنا می باشد،وگاها معانی درباب های متفاوت هیچ شباهتی به هم ندارند بیانگر نقش مهم واساسی علم صرف درادبیات عرب می باشد وبه خاطر اهمیت زیاداین علم جایگاه آن رابیان کردیم.

### بخش سوم:نحو

علم نحومجموعه قواعدی است که آخر کلمات و الفاظ عرب را از جهت إعراب و بناء و همچنین کیفیت ترکیب کلمات با یکدیگر بررسی می کند. مباحثی چون: مرفوعات، منصوبات، مجرورات، انواع جملات و اصل تقدیم مبتدا بر خبر، از مباحث علم نحو به شمار می رود.

اهمیت فراگیری این علم آن است که ما را بر فهم صحیح معنای جمله و ساخت کلام آن گونه که مخاطب می فهمد، مسلط می سازد.اهمیت این علم زمانی روشن میشودکه اگرشخصی بردامنه لغات زبان عربی وقوائد صرفی مسلط باشد وآن هارابشناسد نیزقادر به ساختن جملات عربی نمی باشدوفقط می تواند جملات بدون رعایت چارچوب نحوی بسازد.

### بخش چهارم:بلاغت

علم بلاغت که خودازسه بخش معانی ،بیان وبدیع تشکیل شده است نیز درادبیات عرب که سرشار ازجملات بلیغ می باشد نیزاهمیت والایی داردبه گونه ای که دربسیاری ازموارد درصورتی که شخص ازعلم بلاغت بهره ای نبرده باشد قادر نیست معنایی که مرادمتکلم می باشد رابفهمد وحتی ممکن است گاهامعنایی مغایر بامرادمتکلم رابرداشت کند.زبان عربی ومخصوصا قران کریم که جز بلیغ ترین متن های زبان عربی می باشدبدون علم بلاغت بسیاری ازمنظورها ومرادهای آن قابل درک نمی باشدوشخص از درک آن هاعاجز است.

# فصل دوم:بررسی ادبی آیات

## گفتار اول:آیه 1

### بخش اول:بررسی لغوی

أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ ﴿۱﴾

أَلْهَا:شغل وأنسی،ألهاکم التکاثر:شغلکم التکاثر أنسیتم مهامکم

تکاثر:تکاثر السکان:تزاید عددهم،تنامیهم

### بخش دوم:بررسی صرفی

أَلْهَا:فعل رباعی،ریشه ل ه و ،متعدی ،مصدر:إلهاء،مضارع:یلهی،باب افعال

تکاثر:مصدر تکاثرَ،ریشه:کثر،باب تفاعل،

### بخش سوم:بررسی نحوی

فعل ماضی،ومفعول به مقدم وفاعل موخر،ال تکاثر برای عهد،

جمله استینافیه نقش ندارد

## گفتار دوم:آیه 2

### بخش اول:بررسی لغوی

حتی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿۲﴾

زار:أتاه قاصدا الإلتقاء به

المقابر:المکان المخصص لدفن الموتی واعداداقبور لهم،مجتمع القبور

### بخش دوم:بررسی صرفی

زرتم:فعل ثلاثی مجرد،ریشه ز و ر ،متعدی ،مصدر:زیاره،مضارع:یزور،

مقابر:اسم مکان،مفرد:مقبره،ریشه ق ب ر

### بخش سوم:بررسی نحوی

حتی:حرف عطف

زرتم المقابر:فعل وفاعل ومفعول

جمله عطف براستیناف محلی ندارد.

## گفتار سوم:آیه3و4

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿۳﴾

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿۴﴾

### بخش اول:بررسی لغوی

کلا:کلمه ای برای معانی اربعه می باشد

1-ردع وزجر که معنای غالبی می باشد که دراینجابه همین معنااست

2-حرف نفی

3-حرف جواب

4-حرف تنبیه واستفتاح

سوف:حرف مبنی علی الفتح یخصص افعال المضارعه للاستقبال بعیدویقتضی معنی المماطله والتاخیر

تعلمون:تعرفون

ثم:حرف عطف

### بخش دوم:بررسی صرفی

تعلمون:فعل،ثلاثی مجرد،متعدی،مصدر:علما،ریشه ع ل م،عَلِمَ یعلَم،

گفتارسوم:بررسی نحوی

کلا:حرف ردع،سوف :حرف استقبال،ثم:حرف عطف،تعلمون :فعل وفاعل ومفعول محذوف تقدیره:سوءعاقبه التفاخر،آیه سوم لامحل لها چون استینافیه است،آیه چهارم هم به دلیل عطف بر استینافیه لامحل لها

### بخش چهارم:بررسی بلاغی

دراینجا تکریر صورت گرفته است که به جهت تاکیدانذارصورت گرفته است،وجمله دوم ابلغ ازجمله اول می باشد.

## گفتار چهارم:آیه5

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ﴿۵﴾

### بخش اول:بررسی لغوی

لو:حرف شرط غیر جازم یستعمل فی الامتناع اوفی غیر المکان

علم:مصدرعَلِمَ،ادراک الامور علی حقیقتها،یقین

یقین:مصدر یَقِنَ،العلم الذی لاشک فیه

### بخش دوم:بررسی صرفی

علم:اسم،مصدر،معرب ،معرفه به اضافه،جامدوریشه ع ل م،و...

یقین: اسم،مصدر،معرب ،معرفه به ال،جامدوریشه یقن،و...

### بخش رسوم:بررسی نحوی

لو:حرف شرط غیر جازم،تعلمون فعل وفاعل،علم:مفعول مطلق،یقین:مضاف الیه

جمله لوتعلمون... لامحل لها استینافیه،جواب لومحذوف تقدیر:مااشتغلتم بالتفاخر

### بخش چهارم:بررسی بلاغی

حذف صورت گرفته است برای اینکه درمخاطب هول وهراس ایجادکند.

## گفتار پنجم:آیه6و7

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿۶﴾‏

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿۷﴾

### بخش اول:بررسی لغوی

ترون:تعتقدون

جحیم:اسم من اسماءجهنم،النارالمتأججه بشده

عین الیقین:العلم الذی لاشک فیه

### بخش دوم:بررسی صرفی

ترون: فعل ثلاثی،مهموز العین، متعدی،مصدر:رای،ریشه ر ا ی،رای یری،

در اصل ترایون بوده است که ابتدا یاقلب به الف می شود ودرالتقاساکنین باواو حذف می شود سپس حرکت همزه به ماقبل منتقل می شودسپس همزه نیزبه خاطر ثقیل بودن والتقاساکنین حذف می شود ونون اعراب نیز به خاطر نون تاکیدثقیله حذف میشود وتبدیل به ترون می شود وواو هم به خاطر التقاساکنین حرکت میگیرد ووزن آن تفون میباشد.

عین: اسم، ،معرب ،معرفه به اضافه،جامدوریشه ع ی ن،و...

### بخش سوم:بررسی نحوی

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿۶﴾:فعل وفاعل ومفعول وجمله محلی ندارد به خاطرجواب قسم مقدر

‏ثم لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿۷﴾: ثم:حرف عطف،لترونها:فعل وفاعل ومفعول،عین:مفعول مطلق نائب از مصدر،یقین:مضاف الیه وجمله جواب قسم مقدر لامحل لها

### بخش چهارم:بررسی بلاغی

در آیه ششم:ایضاح الشی بعدابهامه.دراینجاباتوجه به ابهام موجود درقبل باآوردن لام قسم وتاکید جای شک وتردید راازبین برده است.

درآيه هفتم:تکریر صورت گرفته است.تکرارقسم معطوف به ثم شده برای شدت تهویل وزیادت تهدید

## گفتار ششم:آیه8

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴿۸﴾

### بخش اول:بررسی لغوی

سال یساَل:استخبرعنه

یومئذ:کلمه مرکبه من یوم واذ

نعیم:مااستمتع به

### بخش دوم:بررسی صرفی

تسألن:فعل ثلاثی مجرد،مهموزالعین،مجهول،فعل ثلاثی،مصدر:سؤال،مسأله،ریشه س أ ل،سأل یسئل،

یومئذ:یوم +اذ،اسم،ظرف به معنای حینئذ،مبنی برکسر

### بخش سوم:بررسی نحوی

ثم :عاطفه،فعل ونایب فعل ،یومئذ:ظرف متعلق به لتسألن،عن النعیم:جار ومجرورمتعلق به لتسألن

کل جمله نیزنقشی ندارد به خاطر عطف جمله برجمله ترونها...که محلی ازاعراب ندارد.

### بخش چهارم:بررسی بلاغی

درآيه هشتم:تکریر صورت گرفته است.تکرارقسم معطوف به ثم شده برای شدت تهویل وزیادت تهدید

**نتیجه نهایی:**

برای اثبات بر وحیانی بودن قران کریم مبنی بر اینکه این کتاب آسمانی است همراه با تمام معجزاتی که در متن و معانی آن نهفته است ، لازم است که انسان از طریق راه شناختن معانی دقیق و مفاهیم آن برای رسیدن به انها اقدام کند. که آن راه ها همان سه قسم از ادبیات عرب به عنوان یک ابزار شناختی کامل متون عربی به خصوص ایات قران کریم و روایات امامان معصوم است. در این پژوهش با بررسی سوره ای از قران کریم وحیانی بودن این کتاب شریف را همراه با تمام ویژه گی های لفظی و معنوی آن اثبات کردیم و به معانی عمیق آن همراه با ظرافت های خاص کلامی این کتاب آسمانی پرداختیم.

# 

# منابع :

1. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحرير و التنوير، مؤسسه التاريخ العربي، نوبت چاپ ۱، سال چاپ ۱۴۲۰ ه ق
2. ابی الحسین احمدبن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغه.ناشر:دارإحیاء التراث العربی
3. ابی محمدعبدالله جمال الدین بن یوسف ابن أحمدبن عبدالله بن هشام الأنصاری المصری، اوضح المسالک الی الفیه ابن مالک، منشورات المکتبة العصریه، نوبت چاپ۱، سال چاپ 1430 ه ق
4. احمدالهاشمی، جواهرالبلاغه نسخه مقحه جدیده. ناشر:قم،حوزه علمیه قم،مرکزمدیریت۱۳۹۸.چاپ سیزدهم.
5. تفتازانی، مسعود بن عمر، المطول، مکتبه الداوري، نوبت چاپ۴، سال چاپ ١٣٩١ ه ش
6. جمال الدین ابن هشام الأنصاری مغنی اللبیب عن کتب الأعاریب. ناشر:موسسه ثقافیة للتألیف والطباعه والنشروالتوزیع استانبول-ترکیه
7. حسن بن محمدراغب اصفهانی، ترجمه مفردات الالفاظ القرآن، نشرسبحان، نوبت چاپ۳
8. رضي الدين استر آبادی، محمد بن حسن، شرح شافية ابن حاجب، دار الکتب العلمية، نوبت چاپ ۱، سال چاپ ۱۴١۵ ه ق
9. سال چاپ۱۳۸۵
10. سیدمحمدحسین طباطبایی، کتاب المیزان فی تفسیرالقرآن،۲۰جلدی.ناشر:دارالکتب الاسلامیه،تهران سوق اسلامی، چاپ هفتم، سال چاپ 1362
11. فخررازی، تفسیرالکبیر، ناشر:دار احیاء التراث العربی،چاپ سوم ، سال چاپ1397ه ق
12. فضل ابن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ناشر:دارالأسوه للطباعة والنشر(التابعة لمنظمة الاوقاف والامورالخیریه)، چاپ اول،سال چاپ:۱۳۸۴
13. مدني، علیخان بن احمد، الحدائق الندية في شرح الفوائد الصمدیه، ذوي القربي، نوبت چاپ ۱، سال چاپ
14. يوسف حسن عمر، شرح الرضي علي الکافیة، مؤسسةالصادق، نوبت چاپ ۱، سال چاپ ١٣٩٨ ه ق